

یادداشتی از محمد ناصریراد؛

## چهارده فیلم، چهارده یادداشت دستاوردهای روز اول جشنواره گرن

گریزی به فیلم های روز نخست جشنواره گرن.

به گزارش خبر، محمد ناصریراد منتقد سینما در یادداشت ارسالی با موضوع "چهارده فیلم، چهارده یادداشت در روز اول جشنواره گرن" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛

دیروز، ۱۷ اردیبهشت ماه تالار آزادی واقع در پارک شهر شیراز پس از مدت ها شاهد پخش فیلم های کوتاهی از فیلمسازان شیرازی در نخستین جشنواره ی فیلم کوتاه گرن بود و در دو سانس و هر سانس هفت فیلم روی پرده ی نقره ای رفتند. در وهله ی نخست ضمن گلابه از کیفیت بد پخش صدا و تصویر، نمایش فشرده ی آثار و همچنین عدم برگزاری جلسات نقد و بررسی، از حضور پُر شور فیلمسازان و دست اندرکاران فیلم کوتاه، بسیار خرسند بوده و امیدوارم زین پس، شاهد رشد برگزاری این دست رویدادهایی که منتج به پویایی و ارتقاء کمی و کیفی تولیدات آثار هنری در سطح کلانشهر شیراز میشود، باشیم.

دیروز در دو سانس چهارده فیلم در قالب های مستند، داستانی و انیمیشن به نمایش در آمده که جای خالی قالب تجربی در میان آثار محسوس بود. در اینجا به ترتیب نمایش آثار برای هر اثر به فراخور آن یادداشتی مینویسم:

بیلاق سرد / محمد حسین فلاح زاده-محسن دانشور

"بیلاق و صد آه" - مستند کوتاهی که به چالش های ایجاد شده در زندگی عشایر کوچ روی اطراف کلانشهر شیراز میپردازد.

اولین ویژگی این اثر سوژه ی آن و دومین ویژگی اش پرداخت به تقابل میان سنت و مدرنیسم و سومین خصیصه ی این اثر پایان سیلوئت آن است. فیلم از یکپارچگی و اسنجام خوبی برخوردار نیست و در بسیاری مواقع خط اصلی روایت دچار پراکندگی میگردد. بسیاری از صحبت های مصاحبه شوندهگان که به فارسی صحبت میکنند در صورتیکه عشایر قشقایی هستند، تکراریست به به طوری که میتوان گفت حداقل پنج دقیقه از این اثر قابل حذف است. ضعف دیگر این اثر وفور نماها اضافی و بدون کارکرد دراماتیک است، چرا که زمانی از نماهایی ولو خوب به کثرت استفاده گردد، در ادامه کارکرد خود را از دست میدهد. کیفیت فنی صدا و در پاره ای از تصاویر این اثر چندان چنگی به دل نمیزند.

خانه کاغذی / عبدالکریم قشقایی

"خانه ای که عبدالکریم ساخت" - عبدالکریم قشقایی از فیلمسازان کهنه کار شیرازی، یار دیرین مرحوم نگهدار جمالی وسترن ساز شهیر شیرازی این بار با فیلم کوتاه داستانی خانه ی کاغذی پس از سال ها در یک فستیوال هنری با جوان تر ها به رقابت میپردازد. قشقایی فیلمی یک دست به صورت سینمای صامت، فرا زمان، فرا زبان و فرا مکان ساخته. فیلمی محتوا محور، سیاه سفید و دوازده فریم با بازی خوب حسین جمالی و جناب چمپانی در محدوده ی مکانی واحد که با کمی اغماض میتوان گفت به فرم رسیده، فیلم کوتاهی در مدیوم و اندازه ی فیلم کوتاه، نه بیشتر و نه کمتر

انسان خردمند / علیرضا شهنساری فرد

"انسان بی خرد" - فیلم کوتاه صد ثانیه ای و تجربی که در سه نما از دست به بلایایی که انسان بر سر محیط زیست آورده است می پردازد. فیلمی سمبلیک و فرم محور که سودای تفهیم محتوای بزرگی را دارد.

سیاه زخم / سجاد ایمانی

"جوکر" - مستندی کوتاه از سجاد ایمانی فیلمساز نورآبادی که با مستند کوتاه "من تهرانی بودم" بر سر زبان ها افتاد و با مستند جوکر به شهرت رسید. مستندی جعلی که قریب به اتفاق تمامی صحنه های آن جعل شده است، از این رو از کلمه ی جعل به جای بازسازی استفاده میکنم که با فرم مستندگونه(تصاویر گرفته شده با گوشی) سعی بر واقعی جلوه دادن صحنه های فیلمبرداری شده دارد. به عنوان مثال چرا باید فردی مدام از آن ها با گوشی موبایل فیلمبرداری کند؟ در صورتیکه همین عمل مدرکی برای مصداق جرم است.

بی قرار / مهدی صدیقی

"نقاب مادر" - اثری خوش ساخت در قالب پویانمایی که از ویژگی های کیفی فنی مناسبی برخوردار است، فیلمی بی ادعا و صریح

حدس فروشنده / زهیر سقاچی

"سوداگران سرگردان" - فیلم کوتاه حدس فروشنده فیلمی ۲۲ دقیقه ای و نسبتا خوش ساخت با روایتی روان و بازی های تا حدودی قابل قبول و واقع گرایانه که با وجود داشتن خط قصه، در صحنه هایی به بیراهه رفته و مخاطبان را سرگردان میکند.

خط اصلی قصه از این قرار است: چه میشود اگر فرد سوداگری با همدستی یکی از دوستانش بخواهد اموال شرکتی را از طریق خریداری که با ماشین وانتی آمده است، خارج ساخته و به فروش برساند. غافل از آنکه تعدادی کارمندان شرکت مانع او میشوند و همین فرصتی برای فرار خریدار ضایعات فراهم میکند، در نهایت متوجه میشویم فرد سوداگر با خریدار ضایعات دست به یکی کرده و حتی دوست خود را هم دور زده است. (چه طرح قصه ی آشنایی)

وجه تسمیه ی این اثر یعنی "حدس فروشنده" با مضمون این اثر اصلا همخوانی ندارد فیلمی با کاراکتر های بسیار که هیچ کدام از آن ها نه عمق و نه بُعد چندان دارند. شاید بزرگترین ضعف فیلم که گویی سودای فیلم بلند شدن را در سر میپروارند، غیر از کثرت جای دوربین، خرده پیرنگ روایی عشق و خیانت باشد که حذف آن از قصه هیچ آسیبی به قصه وارد نکرده و حتی به روایت قصه، دوام و قوام میبخشد. البته شاید این خرده پیرنگ از برای خصومت و انتقام شخصی در دل این قصه جانهاده شده باشد. فیلمی با دو پایان، به صراحت میتوان گفت: پایان پایانی اش که از فیلم "شیطان صفتان" ساخته ی ژرژ کلوژو الهام گرفته است، اضافه است.

اسلام آباد / فردین غدیری

"ناکجا آباد" - مستندی با شروعی خوب ولی کمی کسل کننده که به شیوه ی روایی "آن شب که بارون اومد" ساخته ی تحسین شده ی کامران شیردل، به جنابیتی و ظلمی در حق زنی بی کس و بی دفاع میپردازد، در این مستند که در اسلام آباد رخ میدهد و زبان آن ترکی قشقایست، هر کسی روایت خود را از این سوژه و این حادثه دارد.

(سانس اول نمایش فیلم‌ها به پایان رسید و پس از وقفه‌ای نیم‌ساعته به نظاره‌ی سانس دوم فیلم‌ها نشستیم.)

رخ داد / امید درخشان

"سایه‌ای در توهم" - فیلمی در هیئتی پیچیده و پُر طمطراق در سه پلان که اولینش بسیار خوب بود، دومینش پر لرزش و ضعیف و سومینش روی دست، سیال و البته گیج

دوربین از چرخ‌ی در حرکت به عقب آمده و دو سوژه را تا نمای لانگ شات تعقیب میکند، فیلمی با دو کاراکتر با بازی نه چندان واقع‌گرایانه در بیابانی سرگردان، پسری به همراه دختری به نام سایه وارد پستوهای ذهنی شده و به یکباره سایه که همانا وهمی بیش نبوده است، منقرض میشود. حالا پسری میماند و پای قطع شده‌ای که گویی پای خودش است و ترس و ابهام و تلوزیون‌هایی با مرور خاطرات. شاید فیلم کوششی بوده تا گریزی به جهان سایه‌ها و مُثُل افلاطونی داشته باشد ولی اصلاً موفق نبوده است.

به رنگ ارغوان / محمد جواد آرمان مهر

"تایم لیس‌ها اینسرنت‌ها" - مستندی توضیحی که با تصاویری زیبا، دلکش و دلنواز در قالب تلوزیونی به دریاچه‌ی مهارلو در بیست کیلومتری جنوب شرق شیراز پرداخته و این دریاچه را از جوانی نظیر زیست محیطی و اقتصادی مورد بررسی قرار میدهد.

گوسفندان ما را خواهند بلعید / مه‌زیار رستم‌پور

"کودک همسری" - فیلمی از فیلمسازی با جنسیت مرد از تولیدات انجمن سینمای جوانان ایران که به مسئله‌ی زنان پرداخته است. فیلمبردار این اثر از عهده‌ی فیلمبرداری در شب به خوبی بر آمده است ولی نتوانسته از نور در راستای فضاسازی مناسب در جهت مضمون اثر، بهره‌ای ببرد. فیلم روایت نسبتاً خوب و بازی‌های واقع‌گرایانه‌ای دارد ولی در روایت خود از کثرت‌جای دوربین رنج میبرد.

تصرف ذهن / امین‌گودرزی‌پور

"یاد آور بازی IGI" - انیمیشنی کوتاه با تکنیک‌اجرایی ضعیف، گودرزی‌پور در این اثر سعی دارد به چگونگی اثرپذیری مخاطب کم‌سن و سال از تهاجم فرهنگی اشاره کند، ولی اسیر شعار زدگی و عیان‌گویی میگردد.

خانه اش ابریست / حجت طاهری

"خانه اش سنگیست" - مستندی طولانی و گاه‌حوصله‌سر بر که با اتخاذ خط داستانی برای یکی از سوژه‌های انسانی به مسائل و معضلات مردم قریه‌ای در شهرستان چرام که همواره در انتظار بارش باران نشسته و امیدی به مسئولان ندارند، می‌پرداخته است. معضلاتی نظیر آب، برق و راه دسترسی مناسب در این مستند دستخوش روایت شده‌اند. فیلمساز به خوبی توانسته به اهالی روستا و سوژه‌ها نزدیک شود و این حاصل زیست‌فیلمساز در این مناطق است.

صحنه‌سازی / نجاتیان - عزت زادگان

"توهم یک قتل" - اثری پر دیالوگ، پُر خرج و پُر سرو صدا که گویی به تله‌تئاتری با بازیگران تئاتری شیرازی میماند و از معیارهای اصیل سینما و قصه‌گویی در آن فاصله‌ها دارد. فیلمی با فیلمبرداری درست که توانسته به خوبی با استفاده از عنصر نور، فضایی وهم‌آلود را خلق کرده و بسط دهد، علی‌رغم همه‌ی این‌ها فیلم در برخی جاها در کارگردانی اینسرت‌ها کلوزهای نامانسی را به ما ارائه میدهد، در عین حال با فیلمی یک دست و مسنجم روبرو بودیم.

عروسک‌ها بر آب می‌میرند / فائزه کریمی

"ماهی و روبان قرمز" - حادثه‌ی تلخ سیل فروردین ماه سال ۹۸ در شیراز از نظر بسیاری از هنرمندان پنهان‌نمانده و سوژه‌ی آثار هنری بسیاری شد. در این مستند که روایتی دوار دارد این بار سیل از زبان دختری ۵ ساله که از اصفهان مهمان شیراز شده و کوچکترین قربانی این سیل است، با شاعرانگی کودکانه‌ای روایت میشود. روایتی میان‌ماهی قرمز، گل قرمز، عروسک قرمز و روبانی به رنگ قرمز که همه‌ی آن‌ها در خاطره‌ای گم شده‌اند. امروز هم پخش آثار در دو سانس ساعت ۱۷ و ۱۹ در تالار آزادی ادامه خواهد داشت و فردا در همانجا اختتامیه برگزار میگردد.